



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

به نام خدا

اظهار نظر کارشناسی درباره:
«لایحه معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ازبکستان در زمینه انتقال محکومان»



محمد آدمی

چکیده

یکی از شیوه‌های جامعه‌پذیر نمودن محکومین به حبس و کاستن از آثار و عواقب ماندن در زندان‌های کشورهای بیگانه آن است که بستر را برای سپری کردن مدت حبس آن شخص در زندان‌های کشور متبوع خود فراهم ساخت. از این‌رو این اشخاص می‌توانند از مواردی همچون ملاقات با اعضای درجه یک خانواده خود، مرخصی و غیره بهره ببرند. کشورهایی که زندانیانی از طرف مقابل در زندان‌های آنها حضور دارند می‌توانند با انعقاد موافقتنامه انتقال محکومین، فرآیند انتقال این محکومان را تدوین کرده تا این امکان را فراهم سازند که به شرط فراهم بودن برخی شروط از قبیل جرم‌انگاری مضاعف، باقی ماندن مدت زمانی خاص از دوره محکومیت، ارائه درخواست و غیره، شخص زندانی را برای سپری کردن ادامه حبس به کشور متبوع خود بفرستند. مصوبه کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی در خصوص «معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ازبکستان در زمینه انتقال محکومان» در این راستا می‌باشد. کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی، تبصره ذیل ماده واحده را جهت رعایت اصول ۷۷ و ۱۲۵ و ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اجرا و یا اصلاح این معاهده، اصلاح و مصوب نموده است که مورد تأیید می‌باشد.

خلاصه مدیریتی

مسئله اصلی

کشورهایی که ارتباطات گسترده‌ای با یکدیگر دارند، به صورت معمول با انعقاد موافقت‌نامه‌های متعددی از قبیل اقتصادی، فرهنگی و غیره سطح همکاری‌های بین خود را ارتقا می‌دهند. یکی از موافقت‌نامه‌هایی که در این راستا قابل ذکر است معاهدات دوجانبه همکاری حقوقی است که به چند دسته تقسیم می‌شوند که از جمله آنها می‌توان به معاهدات استرداد محکومین، انتقال محکومین و سازوکارهای همکاری حقوقی و قضائی مانند آموزش نیروهای انسانی اشاره کرد. در همین راستا جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ازبکستان با تنظیم موافقتنامه انتقال محکومین به حبس به دنبال فراهم ساختن زمینه سپری نمودن مدت حبس اتباع خود در کشور متبوعشان هستند.

مشخصات لایحه

دوره دوازدهم - سال اول

شماره ثبت:

۲۱۵

شماره چاپ:

۲۷۰



گروه حقوق بین‌الملل

مشخصات گزارش

نوع گزارش:

طرح / لایحه

راهبردی

نظارتی

شماره مسلسل:

۲۴۰۲۰۴۶۷

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۱۲/۸

نقاط ضعف و قوت

اهمیت این لوایح به منظور فراهم سازی امکان بازگشت شخص مجرم و محکوم به کشور متبوع خود است تا سزای عملی را که در کشور دیگری مرتکب شده و در آنجا به مجازات سالب آزادی محکوم شده است در کشور متبوع خود به همان صورت و همان مدت تعیین شده در دادگاه کشور خارجی، تحمل کند. به عبارت دیگر این موافقتنامه در صورت اجرا سبب خواهد شد تا دو طرف با فراهم سازی بازگشت محکومان به حبس به کشور خود، از آثار و تبعات احتمالی در زندان های کشور خود بکاهند. طبیعتاً حضور محکوم در زندان های کشور متبوع خویش باعث خواهد شد تا ملاقات وی با خانواده اش تسهیل شود. همچنین حضور در میان سایر محکومان به حبس با تابعیت مشابه می تواند از تفاوت های فرهنگی که موجبات تنش های میان زندانیان را فراهم سازد، کاهش دهد. همان طور که پیشتر عنوان شد لایحه پیش رو مربوط به انتقال محکومین به حبس است لذا در اینجا مفاهیمی از جمله «کشور صادر کننده حکم حبس»، «دولت پذیرنده محکوم» و... مطرح است.

پیشنهادهای

کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی، تبصره ذیل ماده واحده را جهت رعایت اصول ۷۷ و ۱۲۵ و ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اجرا و یا اصلاح این معاهده، اصلاح و مصوب نموده است که مورد تأیید می باشد.

۱. مقدمه

لایحه «معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ازبکستان در زمینه انتقال محکومان» که در تاریخ ۱۴۰۲/۶/۱۹ به تصویب هیئت وزیران رسیده است در تاریخ ۱۴۰۲/۷/۴ از سوی دولت برای مجلس شورای اسلامی جهت طی تشریفات قانونی ارسال شده است. لایحه فوق در جلسه مورخ ۱۴۰۳/۷/۲۹ با اصلاحاتی در ماده واحده به تصویب کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی رسیده است. این لایحه از آن جهت که می تواند منتج به طی مدت حبس محکومان در سرزمین کشور متبوعشان شود دارای اهمیت بوده و قابل توجه است.

کشورهایی که ارتباطات گسترده ای با یکدیگر دارند، به صورت معمول با انعقاد موافقتنامه های متعددی از قبیل اقتصادی، فرهنگی و غیره سطح همکاری های بین خود را ارتقا می دهند. یکی از موافقتنامه هایی که در این راستا قابل ذکر است معاهدات دوجانبه همکاری حقوقی است که به چند دسته تقسیم می شوند که از جمله آنها می توان به معاهدات استرداد محکومین، انتقال محکومین و سازوکارهای همکاری حقوقی و قضائی مانند آموزش نیروهای انسانی اشاره کرد. در همین راستا جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ازبکستان با تنظیم موافقتنامه انتقال محکومین به حبس به دنبال فراهم ساختن زمینه سپری نمودن مدت حبس اتباع خود در کشور متبوعشان هستند.

در ذیل در ابتدا به تحلیل انواع موافقتنامه های حقوقی-قضائی می پردازیم و پس از اشاره به آثار تصویب معاهده، لایحه حاضر و مصوبه کمیسیون قضائی و حقوقی را ارزیابی خواهیم نمود.

۲. تحلیل انواع موافقتنامه‌های حقوقی - قضائی

در ابتدا لازم به نظر می‌رسد که گونه‌شناسی موافقتنامه‌های همکاری حقوقی و قضائی را روشن کنیم تا جایگاه لایحه «معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ازبکستان در زمینه انتقال محکومان» مشخص گردد:

۱. **معاهدات راجع به استرداد مجرمین و متهمین:** در این گونه از معاهدات، شخصی، به واسطه رفتار مجرمانه‌ای که در یک کشور انجام داده است و یا متهم به ارتکاب آن است و در سرزمین کشور دیگری حضور دارد مورد تقاضای استرداد قرار می‌گیرد. در واقع در این نوع معاهدات، شخص مورد نظر در کشور محل ارتکاب، تحت تعقیب قرار گرفته است و یا حتی حکمی علیه وی صادر شده است اما به هر دلیل از حوزه صلاحیت این کشور خارج شده است. در این حالت، کشور محل ارتکاب رفتار مجرمانه، از کشور محل حضور مرتکب عمل یا متهم به ارتکاب آن، تقاضای استرداد این شخص را می‌نماید. در این نوع از معاهدات، کشور تقاضاشونده ارائه اسنادی مانند حکم بازداشت و یا حکم قطعی، اسناد مثبت جرم و اطلاعات دیگری را مطالبه می‌کند تا بتواند از ادعای مورد نظر اطمینان حاصل کند.

در واقع «استرداد یک فرآیند رسمی است که طی آن دولتی از دولت دیگر می‌خواهد که شخص مورد تقاضای وی و یا فرد متهم و یا محکوم به ارتکاب یکی از جرائم ناقض قوانین کشور تقاضاکننده را به این کشور تحویل دهد. بازگرداندن شخص مورد تقاضا، به این دلیل درخواست می‌شود که آن شخص به واسطه جرم و یا جرایمی که مرتکب شده است در کشور تقاضا کننده موضوع دادرسی و یا مجازات قرار گیرد.» موافقتنامه‌های دوجانبه استرداد متهمین و محکومین از قدیمی‌ترین معاهدات در حقوق بین‌الملل هستند و تاریخ انعقاد برخی از آنها به سال‌های پایانی قرن نوزدهم می‌رسد.

۲. **معاهدات راجع به انتقال محکومین:** در این نوع معاهدات، شخصی در سرزمین یک کشور مرتکب رفتار مجرمانه‌ای می‌شود. این شخص تبعه کشور محل ارتکاب رفتار مجرمانه نیست؛ این رفتار مجرمانه در آن کشور مورد رسیدگی قرار گرفته و در نتیجه مرتکب، به حبس محکوم می‌شود. کشور متبوع شخص محکوم، به واسطه داشتن علقه سیاسی-حقوقی با آن شخص، متقاضی تحویل وی به خود می‌باشد تا آن شخص مدت زمان محکومیت خود را در زندان‌های کشورش سپری کند.

بر این اساس، معمولاً در این گونه از موافقتنامه‌ها، محکوم می‌تواند در صورت وجود شروط دیگر رضایتش را برای انتقال به دولت متبوعش برای سپری کردن محکومیت حبسش اعلام کند. البته در صورت اعلام رضایت شخص محکوم، پذیرش انتقال وی همچنان منوط به اعلام رضایت کشور صادر کننده حکم و کشور اجراکننده حکم است. در واقع محکوم، حق ارائه درخواست را دارد ولی کشورهای صادرکننده حکم و اجراکننده آن مکلف به پذیرش چنین درخواستی نمی‌باشند و اعلام رضایت آنها به‌عنوان عنصری ضروری از فرآیند تحقق انتقال می‌باشد.

بر اساس آنچه که بیان شد، تفاوت‌های اساسی بین دو نوع معاهده اول و دوم به چشم می‌خورد: اولاً در معاهدات نوع اول کسب رضایت مجرم یا متهم در امر استرداد شرط نیست در حالی که در معاهدات دسته دوم، رضایت شخص محکوم در امر انتقال تأثیرگذار است. ثانیاً تفاوت عمده دیگری که بین این دو معاهده وجود دارد مسئله نظم عمومی است. در معاهدات نوع اول، واقعیت آن است که نظم عمومی کشور متقاضی استرداد نقض شده است در حالی که در معاهدات نوع دوم، نظم عمومی کشور صادر کننده حکم، نقض شده است. ثالثاً هدف از معاهدات گونه اول، تأمین نظم و امنیت کشور متقاضی استرداد است در حالی که در معاهدات نوع دوم، بیشتر منافع و مصالح شخص محکوم مورد توجه است.

۳. **معاهدات معاضدت‌های قضائی در امور کیفری:** این نوع موافقتنامه‌ها برای ردیابی متهمان و یا محکومان، تبادل اطلاعات راجع به جرائم، مجرمین و یا مشارکت در تحقیقات مقدماتی رسیدگی‌های قضائی منعقد می‌شوند. برای مثال می‌توان به ماده (۹) کنوانسیون مبارزه با رشد و ارتشا مقامات عمومی خارجی در بازرگانی بین‌المللی اشاره کرد که عنوان می‌کند کشورها می‌توانند برای به‌دست آوردن اطلاعات و مدارک از طریق معاهدات همکاری قضائی دوجانبه وارد عمل شوند. در واقع هدف اصلی این نوع از معاهدات آن است که مقامات مجری قانون بتوانند مدارک و دیگر اقدامات شکلی لازم در خارج از کشور را به‌نوعی که در دادگاه‌های کشور تقاضاکننده قابل پذیرش است تدارک ببینند.

۴. **معاهدات معاضدت‌های قضائی در امور مدنی:** این معاهدات بیشتر در قالب معاهدات آموزش نیروها، نگارش و تدوین پیش‌نویس قوانین، شناسایی آرای محاکم، ابلاغ اوراق قضائی، جلب نظر کارشناس و... منعقد می‌شوند.

چنانچه از عنوان لایحه مورد بررسی در گزارش حاضر بر می‌آید، موضوع این موافقتنامه «انتقال محکومین» است و نه «استرداد مجرمین» و یا «معاضدت مدنی» لذا آنچه در ذیل معاهدات نوع دوم عنوان شد می‌بایست در خصوص این لایحه مورد توجه قرار گیرد.

۳. آثار تصویب معاهده

مطابق با مقدمه موافقتنامه، یکی از اهداف آن، توسعه همکاری مؤثر در زمینه حقوق کیفری و تمایل به تسهیل بازپروری محکومان و بازگشت آنها به جامعه در سرزمین متبوع کشور خودشان است.

اهمیت لویح این چنینی به‌واسطه فراهم‌سازی امکان بازگشت شخص مجرم و محکوم به کشور متبوع خود است تا سزای عملی را که در کشور دیگری مرتکب شده‌است و در آنجا به مجازات حبس محکوم شده‌است در کشور متبوع خود به همان صورت و همان مدت تعیین شده در دادگاه کشور خارجی، تحمل کند. به‌عبارت دیگر این موافقتنامه در صورت اجرا سبب خواهد شد تا دو طرف با فراهم‌سازی بازگشت محکومان به حبس به کشور خود، از آثار و تبعات احتمالی در زندان‌های کشور خود بکاهند. طبیعتاً حضور محکوم در زندان‌های کشور متبوع خویش باعث خواهد شد تا ملاقات وی با خانواده‌اش تسهیل شود. همان‌طور که پیشتر عنوان شد لایحه پیش‌رو مربوط به انتقال محکومین به حبس است لذا در اینجا مفاهیمی از جمله «کشور صادر کننده حکم حبس»، «دولت پذیرنده محکوم» و... مطرح است.

مطابق با فلسفه‌ای که برای انعقاد این موافقتنامه توسط دولت‌های طرف آن اعلام شده، فرض بر این است که دولت‌ها به یکدیگر کمک می‌نمایند تا طرف مقابل بتواند محکومینی را که در کشور طرف دیگر مرتکب جرم شده‌اند و به مجازات حبس محکوم شده‌اند برای ادامه مدت حبس خود به سرزمین خود یعنی دولت متبوع شخص محکوم، بازگرداند. از آنجایی که صرف انعقاد و تصویب چنین معاهداتی برای عملیاتی شدن آنها کافی نیست و اجرایی شدن آن مستلزم توجه و پیگیری مستمر طرف‌های آن نسبت به درخواست‌های انتقال آتی می‌باشد، لذا انتخاب دستگاهی دولتی برای این پیگیری‌ها لازم است. از این رو، وزارت دادگستری از جانب جمهوری اسلامی ایران مقام مرکزی اجرای موافقتنامه تعیین شده‌است. البته این نهاد در واقع به‌نوعی هماهنگ کننده و انجام دهنده اقدامات شکلی و نقطه تماس تلقی می‌شود و این امر مانعی برای اعمال صلاحیت‌های مراجع قضائی کشور نیست.

۴. ارزیابی لایحه و مصوبه کمیسیون قضائی و حقوقی

- انعقاد و اجرای معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و دولت ازبکستان در زمینه معاضدت حقوقی متقابل در امور کیفری، به جهت ارتقای سطح روابط و همکاری‌های دوجانبه بین دو کشور همسایه از اهمیت فراوانی برخوردار است. روابط ایران و ازبکستان به عنوان دو کشور با تاریخ و تمدن غنی و مشترک، نقش مهمی در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا می‌کنند. علاوه بر این، ایران و ازبکستان دارای شبکه‌های حمل و نقل راه‌آهن و جاده‌ای هستند که می‌تواند به تسهیل تجارت در منطقه کمک کند. دو کشور در سال‌های اخیر توافقات متعددی در زمینه تجارت و سرمایه‌گذاری امضا کرده‌اند. حجم مبادلات تجاری دو کشور در حال افزایش است و ایران می‌تواند به یکی از شرکای تجاری مهم ازبکستان تبدیل شود. از ابتدای برقراری روابط، تاکنون اسناد متعددی در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بین دو کشور به امضا رسیده است که برخی از این اسناد مربوط به حوزه همکاری‌های سیاسی مانند استرداد مجرمین، همکاری‌های سیاسی، امنیتی و مبارزه با قاچاق مواد مخدر و مابقی مربوط به همکاری‌های اقتصادی از جمله یادداشت تفاهم تعرفه ترجیحی، همکاری‌های بازرگانی، گردشگری و اجتناب از اخذ مالیات‌های مضاعف بوده است. از آنجا که هدف تحریم‌های ظالمانه، حداکثرسازی فشار بر ایران و منزوی سازی سیاسی کشورمان در صحنه بین‌المللی است، طبعاً معاهداتی از این قبیل می‌توانند راهگشا باشند. به این معنا که همکاری در یک حوزه موضوعی مانند موضوعات حقوقی و قضائی می‌تواند منجر به تشویق و ترغیب طرفین به همکاری در حوزه‌های موضوعی سیاسی و اقتصادی نیز گردد. علاوه بر این باید توجه داشت که همکاری‌های بین‌المللی در حوزه‌های قضائی نشان دهنده میل به همگرایی بلندمدت بین کشورهای متعاقد نیز می‌باشد.

- با رعایت آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، پیشنهاد می‌شود بند ۴ ماده ۱ که به تعریف «خویشاوندان نزدیک محکوم» پرداخته است به شکل زیر بازنویسی شود:

«به اشخاصی اطلاق می‌شود که مطابق با قوانین ملی طرفی که محکوم تبعه آن است، تعیین می‌شوند.»

با این حال این موضوع صرفاً به مورد فوق در بند ۴ ماده ۱ خلاصه نمی‌شود. بر اساس مفاد مواد متعددی از موافقتنامه، این اشخاص دارای اختیاراتی معرفی شده‌اند که ممکن است به نوعی به ولایت نسبت به شخص محکوم تعبیر شود. این در حالی است که مطابق قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، خویشاوندان نزدیک، نسبت به شخص هیچ‌گونه ولایتی ندارند مگر در شرایط خاصی که قانون مدنی آنها را مشخص کرده است. به عنوان مثال بر اساس بند ۲ از ماده ۲ این اشخاص می‌توانند درخواست کتبی انتقال محکوم را به دولت صادر کننده حکم، تسلیم نمایند. بر اساس زیر بند (ت) بند ۱ ماده ۴، در صورتی خویشاوندان نزدیک محکوم می‌توانند درخواست انتقال را ارائه دهند که محکوم به دلیل شرایط سنی، جسمی یا روحی نتواند شخصاً درخواست دهد. این در حالی است که هیچ‌کدام یک از این قیود نمی‌توانند به خویشاوندان نزدیک یک فرد، نسبت به او ولایتی اعطا نمایند.

- در شق (ث) بند ۱ ماده ۴ و بند (ب) ماده ۹، از تعبیر «جرم کیفری» استفاده شده است در حالی که در نظام حقوقی ایران، این تعبیر شناخته شده نیست.

- یکی از الزاماتی که برای امکان انتقال محکومین بیان می‌شود اصل «جرم انگاری مضاعف» است. به این معنی که جرم ارتکاب یافته مبنای درخواست انتقال باید در هر دو نظام حقوقی کشور ارسال کننده و دریافت کننده، جرم تلقی شود. شق (ث) بند ۱ ماده ۴ معاهده به این موضوع اشاره دارد.

- این موافقتنامه در حالی که در نگاه اول، روابط دوجانبه را در خصوص انتقال محکومین را تنظیم می‌نماید با این حال در بند ۱ ماده ۱۷ این امکان فراهم شده است که کشورهای طرف موافقتنامه بتوانند مجرمی را صرفاً از طریق خاک طرف مقابل عبور دهند.

- نظر به آنکه این موافقتنامه به دنبال بهبود وضعیت جامعه پذیری بزهکاران در کشور متبوع خود آنها است و در واقع به نوعی ماهیت حمایت گرایانه دارد، این امکان در آن فراهم شده است تا نسبت به اشخاصی که قبل از لازم‌الاجرا شدن آن نیز محکوم به حبس شده‌اند اعمال شود. به تعبیر دیگر این معاهده دارای اثر عطف به ماسبقی است.

- کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی با اصلاح تبصره ذیل ماده واحده به شرح زیر، لایحه را به تصویب رساند.

«تبصره- رعایت اصول هفتاد و هفتم (۷۷)، یکصد و بیست و پنجم (۱۲۵) و یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اجرای این قانون یا اصلاح آن، الزامی است.»

اصلاح تبصره به شکلی که کمیسیون مصوب نموده است مورد تأیید می‌باشد.

- از جمله ایرادات شورای محترم نگهبان به این نوع موافقتنامه‌ها، خلاف شرع تلقی نمودن اطلاق برخی از مواد آنها است که منجر به شناسایی احکام محاکم و مقررات قوانین آیین دادرسی مراجع غیرمسلمان می‌شود. از جمله این موارد می‌توان به ایراد مغایرت با شرع مصوبه «انتقال محکومین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه» [۱] و مورد راجع به مصوبه «معاهده انتقال محکومین به حبس میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین» [۲] اشاره کرد. در واقع صدور احکام در دادگاه‌های کشورهای خارجی تابع الزامات محتوایی و شکلی آن کشورها است و از این رو ضرورتاً منطبق بر موازین شرعی نمی‌باشد.

۵. نتیجه‌گیری

این گونه معاهدات می‌توانند موجب تحرک بخشیدن به دستگاه‌های اجرایی و قضائی کشور شده و با بهره‌مندی از نگاهی تطبیقی به نظام‌های حقوقی کشورهای دیگر می‌توانند خلأهای احتمالی نظام حقوقی ملی را پوشش دهند و در عین حال موجبات تسهیل مراودات دو کشور و اتباع آنها را نیز فراهم می‌آورند. انعقاد چنین معاهداتی موجب پررنگ‌تر شدن همکاری‌های دوجانبه و کمک اساسی به اجرا و اعمال قوانین کیفری می‌شود؛ لذا از این منظر مفید و مؤثر تلقی می‌گردد.

موافقتنامه حاضر در صورت اجرا سبب خواهد شد تا دو طرف با فراهم سازی بازگشت محکومان به حبس به کشور خود، از آثار و تبعات احتمالی در زندان‌های کشور خود بکاهند. طبیعتاً حضور محکوم در زندان‌های کشور متبوع خویش باعث خواهد شد تا ملاقات وی با خانواده‌اش تسهیل شود.

لازم به ذکر است کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی، تبصره ذیل ماده واحده را جهت رعایت اصول ۷۷ و ۱۲۵ و ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اجرا و یا اصلاح این معاهده، اصلاح و مصوب نموده است که مورد تأیید می‌باشد..

منابع و مأخذ

- [1] <http://nazarat.shorarc.ir/Forms/frmShenasname.aspx?id=VALN7hc5nEs=&TN=I7tLyhyOobj0SooAFUE3m68PnpG7MruN&MN=csaqpt/F9Oo=>
- [2] <http://nazarat.shorarc.ir/Forms/frmShenasname.aspx?id=h+Su6uqYaFM=&TN=I7tLyhyOobj0SooAFUE3m68PnpG7MruN&MN=csaqpt/F9Oo=>

گزیده سیاسی / مدیریتی (پیامک منتخب)

کمیسیون قضائی و حقوقی تبصره ذیل ماده واحده مربوط به معاهده بین ایران و ازبکستان در زمینه انتقال محکومان را جهت رعایت اصول ۷۷ و ۱۲۵ و ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اجرا و یا اصلاح این معاهده، اصلاح و مصوب نموده است که مورد تأیید می‌باشد.